



هفت فرمان دیگر

از

پادشاهان ترکمان

موسسه تخصصی طب اسلامی

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم

از

مدرسی طباطبائی

هفت فرمان دیگر

از

پادشاهان قرکمان

از قرن نهم هجری تمدادی قابل توجه اسناد تاریخی ازدیوانی واجتماعی ومنشآت و مکاتیب وجز آن بازمانده است که هر یک از رهگذر تحقیق در تاریخ وشرائط وخصوصیات گوناگون زندگی اجتماعی آن دوره بسیار ارزنده وسودمند تواند بود و می توان چهره ای به نسبت روشن از اوضاع و احوال آن روزگار براساس بررسی دقیق ومطالعه علمی وتحقیقی این اسناد باکمک مصرحات مصادر تاریخی ودیگرمتون قرن مزبور ترسیم نمود .

اسناد دیوانی این دوره از احکام وارقام و فرمانها ونشانهاو منشورها و پروانچه ها به تبع وضع سیاسی ایران در آن قرن برسه بخش است . بخشی از امراء تیموری و دستگاه پادشاهی هرات ، وبخشی دیگر از امراء ترکمان (قراقویونلو و آق قویونلو) وبخش سوم از امراء محلی ولایات به خصوص ملوک مازندران که در خطه طبرستان ورویان ورستمدار با نوعی استقلال و خودمختاری

فرمانروایی داشته‌اند.^۱

تحقیقات و بررسی‌های مربوط به اسناد تاریخی این دوره تاکنون بیشتر روی بخش دوم یعنی اسناد بازمانده از دوسلسله پادشاهی قراقویونلو و آق قویونلو انجام گرفته است لیکن انتظار می‌رود با نشر مجموعه‌های جدید اسناد، آن دو گروه دیگر نیز از توجه و عنایت شایسته محققان این رشته بررسی‌ها برخوردار گردد. چنین است فهرستی اجمالی از مجموع فرمان‌هایی از امراء دو سلسله مزبور که تا این تاریخ بر آن آگاهی یافته‌ایم:

أ - قراقویونلوها

قرايوسف

۱- فرمان مورخ ۱۰ ع ۸۲۰-۱ در واگذاردن فرمانروایی بدلیس و مضافات آن به امیر شمس‌الدین بن حاجی شرف.^۲

جهان شاه

۲- فرمان بخشودن مال و خراج محصولات و انك طساطیف و وغادی و متعلقات پیشوای مذهبی آن و بستگان او^۳ مورخ ع ۸۵۳-۱.

۳- فرمان سیورغال مال و متوجهات دیوانی جولاه آذربایجان

۱- مجموعه‌ای بسیار مهم و نفیس از احکام و فرمانها و وقف‌نامه‌ها و دیگر اسناد مربوط به دوران فرمانروایی این دودمان متعلق به آستانه نور مازندران به نقل دانشمندان و الامقام: منوچهر ستوده و محمدتقی دانش پژوه در اختیار آقای یحیی نوری از مدرسان روحانی دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران است که انشاءالله به‌نشر آن اهتمام خواهند کرد.

۲- شرف‌نامه: ۳۷۶-۳۷۸ چاپ پطربورگ و ۴۹۲-۴۹۴ چاپ تهران.

۳- فرامین فارسی ماتن‌اداران ۱: ۲۴۵.

- به نام قدوة الاعاظم شیخ درائی مورخ ۱۳ رمضان ۸۵۷^۴
- ۴- فرمان مورخ ۳ رجب ۸۵۹ در واگذاردن بلوک هرات و مروت و بوانات شیراز به سیورغال امیر جلال‌الدین ترخان^۵.
- ۵- فرمان مورخ ۹ ج ۱-۸۶۲ در الغاء بدعتی مذموم که باباحسن نامی بر بازاریان و محترمین گرگان تحمیل نموده و هر سال مبلغ هفتاد هزار دینار زرکپکی بابت سور و سات لشکر از آنان می‌ستانده است^۶.
- ۶- فرمان مورخ ۱۰ ذق - ۸۶۶ از خاتون جان بیگم همسر این پادشاه در معاف ساختن پیشوا و کشیشان ارمنی ولایت اغوان گنجه - سر از جزیه و مالیات‌های مشابه^۷.
- ۷- فرمان مورخ ۲۷ ج ۱- ۸۶۷ در واگذاردن منصب نقابت

4— Heribert Busse :

Untersuchungen Zum Islamischen Kanzleiwesen. Deutschen Archäo—
logischen Instituts kairo (Islamische Reihe Band 7) . Kairo, 1959,
P. 149—150 .

5— Jean Aubin :

Un soyurghal Qara—Qoyunlu, Concernant le Buluk de Bawanat-Harat
Marwast (Archives Persanes Commentees 3) . Document, from, Islamic
Chanceries. Oxford, 1965. PP. 159—170, 236—245 .

نیز یادگارهای یزد ۱ : ۳۰۶-۳۰۸ . اصل سند در موزه طوبقایی سرای
استانبول به شماره ES 427

۶- سنگ نبشته جامع گرگان زمین : ۲۰۱ و مجله راهنمای کتاب ۱۵ :
۳۱۴ - ۳۱۳ .

۷- فرامین فارسی ماتناداران ۱ : ۲۴۸-۲۴۹ .

سادات و تولیت موقوفات آستانه قم به نظام الدین احمد رضوی^۸.
 ۸- فرمان مورخ ۲۵ ذح - ۸۷۰ به دو زبان عربی و فارسی
 خطاب به اکابر و شرفای مکه در واگذارن منصب قافله سالاری
 کاروان حج به نظام الدین عبدالحق و فرستادن محمل حج به
 حجاز^۹.

۹- فرمان بی تاریخ در تنفیذ پیشوای ارامنه ولایت کوجبه
 در مقام خود و بخشودن متوجهات دیوانی او^{۱۰}.

حسنعلی

۱۰- فرمان مورخ ۴ رمضان ۸۷۲ در بخشودن مال و متوجهات
 دیوانی وانك طاطیف و وغادی و خراج موقوفات قدیم و جدید
 آنها^{۱۱}.

۱۱- فرمان مورخ ۲۷ شوال ۸۷۳ در واگذارن تولیت وقف

۸- سفرنامه قم افضل الملك : ۱۵۰-۱۵۲ چاپ انتشارات وحید تهران
 فرهنگ ایران زمین ۱۹ : ۱۱۹-۱۲۲ / مجله بررسیهای تاریخی : ش ۳ سال
 پنجم و دهم و ۲۰۲ سال چهارم / از سعیدی تاجامی : ۵۶۸-۵۶۹ چاپ دوم / اسناد
 و مکاتبات تاریخی ، نوایی : ۴۷۹ / قم در قرن نهم هجری : ۲۷۰-۲۷۲ / تاریخ
 مذهبی قم : ۱۸۰ و چندین جای دیگر . نیز :

Jean Aubin :

Note sur quelques documents Aq-Qoyunlu (Archives Persanes Com-
 mentees 1) Melanges Louis Massignon. Damas, 1956. Vol I. 11.
 PP. 126-127 .

۹- تاریخ و جغرافی دارالسلطنه تبریز ، نادر میرزا : ۸۳-۸۵ / کراسه المعی :
 ۴۹۷ نسخه ۱۵۱۶ کتابخانه مجلس شورای ملی - تهران .
 ۱۰- فرامین فارسی ماتناداران ۱ : ۲۴۶-۲۴۷ .
 ۱۱- همان مأخذ : ۲۵۰-۲۵۱ .

مزار قطب العراق شیخ محمود کرجی به شیخ رضی الدین علی^{۱۲}.

ب - آق قویونلوها

اوزون حسن

۱۲- فرمان مورخ ۱۲ شعبان ۸۷۴ در واگذاردن منصب نقابت سادات و تولیت موقوفات آستانه قم واردهال و پیشوایی مسجد امام حسن عسکری قم به نظام الدین سلطان احمد و سیدکمال الدین عطاءالله از رضویان قم^{۱۳}.

۱۳- فرمان مورخ ذق - ۸۷۴ در واگذاردن سلطنت خراسان به یادگار محمد فرزند میرزا سلطان محمد بهادر^{۱۴}.

۱۴- فرمان مورخ ۴ ذق - ۸۷۵ در واگذاردن موضع انبند از اعمال رودقات تبریز به سیورغمال امیرسید رفیع الدین عبدالغفار شیخ الاسلام آذربایجان^{۱۵}.

۱۵- فرمان مورخ ۸۷۵ در بخشودن چند نوع از مالیات ها بر مردم یزد^{۱۶}.

۱۲- مجله یفا ۲۸ : ۳۷۸-۳۸۱ . اصل سند در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به شماره ۹۱۸۹ .

۱۳- سفرنامه قم افضل الملك : ۱۵۲-۱۵۴ / فرهنگ ایران زمین ۱۹ : ۱۲۲-۱۲۶ . اصل سند در قم .

۱۴- منشآت حیدرآباداغلی / اسناد و مکاتبات تاریخی ، عبدالحسین نوایی : ۳۲۰-۳۲۲ / اسناد و نامه های تاریخی ، مؤید ثابتی : ۳۸۵-۳۸۷ .

۱۵- آثار ایران (به زبان فرانسه، چاپ ۱۹۳۸) ج ۳ : ۲۰۳-۲۰۶ / H. Busse . ۱۵۱-۱۵۳ / مجله وحید ۵ : ۷۸۷ .

۱۶- سنگ نوشته جامع یزد . فرهنگ ایران زمین ۱۱ : ۱۶۹ / نسخه های خطی ۴ : ۳۷۰-۳۷۱ / یادگارهای یزد ۲ : ۱۳۹-۱۴۰ و ۹۷۷ .

- ۱۶- فرمان مورخ ۸۷۷ برای پیراحمد قرمانلو^{۱۷}.
- ۱۷- فرمان مورخ ۱ شعبان ۸۷۹ در واگذاردن تولیت موقوفات بقعه شمشهان اصفهان به بازماندگان شاه سیدعلاءالدین محمد نقیب^{۱۸}.
- ۱۸- فرمان مورخ ع ۲-۸۸۰ در واگذاردن شغل احتساب به سیدظہیرالدین عبدالصمد^{۱۹}.
- ۱۹- فرمان مورخ ۱ ج ۲-۸۸۰ در بخشودن خراج و جزیه کشیش و وابستگان مذهبی دیگر اوچ کلیسیای جلفا^{۲۰}
یعقوب
- ۲۰- فرمان مورخ ۲۰ ج ۱-۸۸۳ در باب تصدق رسم الصداره.^{۲۱}
- ۲۱- فرمان مورخ ۳ ج ۲-۸۸۳ مربوط به آستانه شیخدانیال خنج فارس^{۲۲}.
- ۲۲- فرمان مورخ ۵ ع ۲-۸۸۴ در واگذاردن منصب نقابت سادات اصفهان و تولیت موقوفات بقعه شمشهان آنجا به شاه تقیالدین محمد^{۲۳}.

۱۷- H. Busse : ۷۰ و ۲۵۰.

18— Jean Aubin :

Note sur quelques documents Aq—Qoyunlu : P. 15 .

- ۱۹- مخزن المکاتبه، ش ۳ نسخه خطی شماره ۵۲۳ مجلس سنا: سند شماره ۳.
- ۲۰- فرامین فارسی ماتناداران ۱ : ۲۵۲-۲۵۳ .
- ۲۱- مخزن المکاتبه ، ش ۳ نسخه خطی شماره ۵۲۳ کتابخانه مجلس سنا، سند شماره ۱ .
- ۲۲- همان مقاله اوبن (یاورقی شماره ۱۸ و ۸) و ترجمه فارسی آن در مجله بررسیهای تاریخی ، ش ۳ سال دهم : ص ۲۰۱ و ۲۱۴ .
- ۲۳- ایضاً همان مقاله : (یادنامه ماسینیون ۱ : ۱۳۸) .

۲۳- فرمان مورخ ۱۵ رمضان - ۸۸۴ در واگذاردن نقابت سادات قم و تولیت آستانه و مسجد امام حسن عسکری آن شهر و آستانه اردهال به سید نظام الدین سلطان احمد و سید کمال الدین عطاء الله^{۲۴}.

۲۴- فرمان مورخ ۲۰ ذق - ۸۹۱ در بخشودن متوجهات دیوانی دوسید به نام های امیر عزالدین مسعود و امیر کمال الدین محمود^{۲۵}.

۲۵- فرمان مورخ ۴ ج ۱- ۸۹۲ در تنفیذ پیشوایان ارامنه ولایت اغوان آذربایجان در مقام خود و بخشودن متوجهات دیوانی آنان^{۲۶}.

۲۶- فرمان مورخ ۷ ذق - ۸۹۳ در بخشودن مال و متوجهات دیوانی موقوفات مدرسه منصوریه شیراز^{۲۷}.
رستم بیگ^{۲۸}

۲۴- سفرنامه قم افضل الملك: ۱۵۴-۱۵۷/ فرهنگ ایران زمین ۱۹: ۱۲۶-۱۳۰- H. Busse : ۱۵۴ به بعد . اصل سند در هوزه بریتانیا به شماره 4,934 (فهرست ریو ، ذیل : ۲۵۴-۲۵۵).

۲۵- گرگان زمین : ۲۰۳/ مجله راهنمای کتاب ۱۵: ۳۱۱-۳۱۳ .

۲۶- فرامین فارسی ماتناداران ۱ : ۲۵۴-۲۵۵ .

۲۷- فارس نامه ناصری ۱ : ۸۱-۸۳/ از سعدی تا جامی : ۵۸۹-۵۹۰ و میان صفحات ۵۸۴-۵۸۵/ اسناد و مکاتبات تاریخی ، نوایی : ۶۱۷-۶۱۹ . اصل سند متعلق به همسر جناب سردار فاخر حکمت در تهران .

۲۸- از رستم بیگ جز چهار فرمان که در اینجا فهرست شده است سه سند دیگر می شناسیم :

I صورت مجلس و حکم محکمه شرعی در باب دو دیه از تسوابع اصفهان با نام های اندوان و فیروزآباد که بوسیله وکیل شرعی او به اقطاع تملیک شاه- تقی الدین محمد نقیب گردید ، با مهر شاه در آغاز سند ، مورخ ۲۰ ج ۲ - ۹۰۲

- ۲۷- فرمان مورخ ۸ ذق-۸۹۸ در توصیه و سفارش نسبت به کشیش قراکلیسای ماکو. ۲۹.
- ۲۸- فرمان مورخ ۱ رمضان ۹۰۰ در ارجاع ضبط و سرکاری اصفهانک کرارج از موقوفات بقعه شهشهان اصفهان به شاه تقی الدین محمدنقیب. ۳۰.
- ۲۹- فرمان مورخ ۲۴ ع ۱-۹۰۲ در قراردادن مبلغ سه هزار

(مجله بررسیهای تاریخی، ش ۴ سال هشتم: ۲۱۳-۲۱۸. اصل سند درسازمان ملی اسناد ایران).

۲ قبانه خرید جوردان و قهاب و قهجاورستان و دستجرد و رویدشت علیا و طنبورسات رویدشت سفلی و قریه بغرم که همه از توابع و رساتیق اصفهان است و آنها را همین پادشاه به یکصد و چهار تومان تیریزی و هشت هزار دینار و کسری به دستیاری وزیر خود فضل الله روزبهان خریده بود، مورخ سال ۹۰۰ (روزنامه اطلاعات، ش ۱۴۸۱۹ - پنجشنبه ۳ مهرماه ۲۵۳۴ - صفحه ۹ باشرح متن سند در ۱۲ سطر. اصل سند با اندازه ۲۴ × ۴۸۵ سانتیمتر متعلق به آقای محمدعلی کریم زاده).

۳ صورت مجلس و حکم محکمه شرعی در باب موقوفه بودن موضع اصفهانک کرارج از توابع اصفهان که دستم بیک آن را به عبدالکریم بیک لله خود بخشیده بود و شاه تقی الدین محمد نقیب متولی وقف مزبور علیه آن در محکمه شرع اصفهان اقامه دعوی کرد و محکمه به نفع او حکم داد با تصدیق نصیرالدین عمر وکیل شاه و مهر و توقیع گروهی از وزراء و دبیران و دیوانیان در کناره و صدر و ذیل سند، مورخ ۱۰ شعبان ۹۰۰ (مقاله او بن در یادنامه ماسینیون و ترجمه آن در بررسیهای تاریخی، ش ۳ سال دهم: ۲۲۱-۲۲۴).

۲۹- فرامین فارسی ماتناداران ۱: ۲۵۶/نظری بتاریخ آذربایجان ۱: ۴۲۰
مجله بررسیهای تاریخی: شماره ۵ سال دوم و ۳ سال پنجم/مقدمه ای بر شناخت اسناد تاریخی: تصویر شماره ۳۲.

۳۰- تذکره القبور گزی: میان صفحات ۱۸۸-۱۸۹ چاپ دوم / مجله وحید ۶: ۴۹-۵۰/مقاله او بن در یادنامه ماسینیون و ترجمه آن در شماره ۳ سال دهم مجله بررسیهای تاریخی.

- دینار تبریزی نقد به سیورغال سید شمس‌الدین محمدفریز هندی^{۳۱}
- ۳۰- فرمان ۲۷ رمضان ۹۰۲ در بخشودن مال و متوجهات دیوانی مزرعه باقرداغ اربیل که به دوسید بانام‌های سیدسراج‌الدین قاسم وعم اوسیدطاهر تعلق داشت . ۳۲
احمد بیگ
- ۳۱- فرمان مورخ ۱ صفر ۹۰۳ در بخشودن مال و خراج خلاف حکم چند خاندان نطنز . ۳۳
قاسم بیگ
- ۳۲- فرمان مورخ ۵ شعبان ۹۰۳ در واگذارن چنددیبه از توابع ماردین دیاربکر به سیورغال اسفندیار بیگ . ۳۴
الوند
- ۳۳- فرمان مورخ ۱۴ رجب ۹۰۴ در واگذاری نقابت‌سادات وتولیت آستانه قم به سید مرشد‌الدین رشیدالاسلام رضوی . ۳۵

31— Jean Aubin :

Note Preliminaire sur les Archives du Takya du Tchimerud (Archives Persanes Commentees 2) Teheran, 1955 : PP. 5—6 .

32— H. R. Roemer :

Le dernier firman de Rustam Bahadur Aq—Qoyunlu ? (Bulletin de l'Institut Français d'Archéologie Orientale. 1960) : 273—287 .

33— Jean Aubin :

Note Preliminaire sur les Archives du Takya du Tchime—rud : P. 6—7 .

34— V. Minorsky :

A soyurghal of Qasim B. Jahangir Aq—Qoyunlu (903/1498) . Bsos IX (1938—1939) . P. 927—960 .

۳۵- سفرنامه قم افضل‌الملک: ۱۵۷-۱۶۰/فرهنگ ایران زمین ۱۹: ۱۳۱-

۱۳۵ / H. Busse : فرمان شماره ۴ . اصل سند در موزه بریتانیا (فهرست

ریو ، ذیل : ۲۵۵) .

۳۴- فرمان مورخ ۹۰۴ در واگذاردن موضع نهرامس گلپایگان
به سیورغال خواجه جلال الدوله خضرشاه^{۳۶} .
محمدی میرزا

۳۵- فرمان مورخ ۲۰ ع ۱- ۹۰۵ در قرار دادن مبلغ هشت
هزار دینار تبریزی نقد از بابت مال وجهات قریه فریزهند نطنز در
وجه مستمری سید شمس الدین محمد مهدی^{۳۷} .

* * *

از این همه، تعداد بیست و هفت طغرا در مجموعه «فرمان‌های
ترکمانان قراقویونلو و آق‌قویونلو» چاپ ۲۵۳۲ شاهنشاهی- قم) ثبت
شده و اینک متن چند فرمان دیگر را که پس از نشر آن مجموعه به دست افتاد
در این اوراق می‌بینیم :

(۱)

فرمان مورخ ۲۷ شوال ۸۷۳ از حسنعلی
قراقویونلو (۸۷۲-۸۷۳) در واگذاردن تولیت
وقف مزار شیخ محمود کرجی به شیخ رضی الدین
علی .

متن این سند که اصل آن اکنون به شماره

۳۶- نشریه گنجینه انصار : ش ۱ (مورخ شوال ۱۳۲۵ق) / اسناد و
مکاتبات تاریخی ، نوایی ۲ : ۱۵-۱۷ / مالک و زارع در ایران : ۲۰۷-۲۰۹ و
اصل انگلیسی آن :

Landlord and Peasant in Persia : P. 102—103 .

37— Jean Aubin :

Note Preliminaire sur les Archives du Takya du Tchimerud. P. 7—8 .

۹۱۸۹ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران است
 وسیله آقای ایرج افشار خوانده شده و همراه
 عکسی از آن در شماره ۶ سال بیست و هشتم
 مجله یغما (ص ۳۷۸-۳۸۱) به چاپ رسیده است.
 آقای افشار در آغاز شرحی سودمند درباره مزار
 و خانقاه شیخ نجم الدین محمود کرجی به نقل
 از کتاب « گزارش نامه یافقه اللغه اسامی امکنه
 در مطلع کتاب کرج نامه یا تاریخ آستانه » نوشته
 ابراهیم دهگان (چاپ ۲۵۲۲ شاهنشاهی - اراک)
 آورده و به سندی دیگر مربوط به موقوفات این مزار
 مورخ ۹۳۴ که در همان کتاب (ص ۳۶-۳۷) ثبت
 شده است اشاره فرموده اند. از این سندا خیر
 و یک سند دیگر درباره همین موقوفات (مربوط
 به نیمه نخستین قرن یازدهم) فیلمی در دانشگاه
 تهران بشماره ۳۵۶۸ هست که چون از رهگذر
 توضیح مطالبی چند در سند مورد سخن سودمند تواند
 بود عکس هر دو همراه عکس این فرمان در این
 اوراق گذارده می شود .

در متن نشر شده در مجله یغما خطاهای
 چاپی راه یافته که بر اساس عکس سند اصلاح
 شد :

ابوالفتح حسن (علی بهادر سیوزومیز)

حکام و عمال و کلانتران و کدخدایان ولایت کرج بدانند که
 درین وقت / افتخار المشایخ و المحققین شیخ رضی الدین علی به حضور

آمد و به شرف صحبت مشرف گشت / بنا بیدان عنایت کرده تولیت وقف مزار متبرک حضرت قطب العراق سلطان شیخ محمود کرجی قدس الله سره به دستور سابق به مشارالیه و کسان او تخصیص (۹) / ارزانی داشتیم و معاف و مسلمیات آنجا را به دستور زمان حضرت خاقان سعید اقام انار الله برهانه مقرر فرمودیم که به علت مال و منال / و مواشی و مراعی و اخراجات و سایر تکالیف و عوارض دیوانی مطلقاً مزاحم نشوند و هر کس که در آب و زمین / وقف مذکور زراعت نماید به دستور سابق مال و منال به شیخ مذکور جواب گویند و به حمایت بیرون نروند / به تخصیص مزرعه ۳۸ سون و سوانج و ازناو و دو خواهران آنها رانیز به دستور قدیم و جدید معاف دانند و / پیرامون نگردند و نوعی نمایند که شیخ مشارالیه و مقیمان آستانه به دعاگویی دوام دولت / و درویشی مشغول گردند و هر ساله درین باب نشان مجدد نطلبند . خلاف کننده / در معرض عتاب و خطاب خواهد بود . تحریر آفی / سابع عشرین شوال سنه ثلاث و سبعین و ثمانمائه .

(بین السطور دو سطر اخیر :)

مقرر شد که امر احتساب و قضا و اقامت جمعه و جماعه / و امامت و خطابت به شیخ مومی الیه مفوض دانند . تغییر نکنند .

(سجع مهر :)

العبد المتوکل بعناية الملك الاله، حسن علی بن سلطان جهان شاه .

۳۸- نام این مزرعه در سند مورخ ۹۳۴ به شکل «سوم» ضبط شده است همچنان که نام «سوانج» در آن سند به صورت «سوانج» یاد میشود . مزرعه «ازناو» هم در آن سند ذکر شده است و جای مزرعه «دوخواهران» که اکنون دیهی است در نقشه‌های مرکز آمار مشخص است .

(۲)

فرمان مورخ ع ۲ - ۸۸۰ از اوزون حسن
 آق قویونلو در واگذاردن منصب احتساب ممالک
 محروسه به سیدظمیرالدین عبدالصمد .
 سوادی از این سند که در اینجا برای
 نخستین بار نشر می شود در مخزن المکاتبه
 جمال الدین عبدالله حسنی (ش ۳ نسخه شماره
 ۱۴۳۰-۱-۵۲۳ دفتر-کتابخانه مجلس سنا :
 سند شماره ۳) آمده است :

حمد و سپاس و شکر بی قیاس مبدع و مخترعی را سزاوارست
 که ودایع بدایع اسرار انوار حقایق و دقایق کتاب کریم «ان الدین
 عندالله الاسلام» و خطاب قویم «کنتم خیرامة اخرجت للناس تأمرون
 بالمعروف و تنهون عن المنکر» در خزاین و دفاین خواطر و ضمائر
 مالکان و سالکان ملک و ملل و دین و دول ابداع کرد و درود
 نامعدود و ستایش نامحدود سرور و پیغمبری را در خورست که
 دردمندان و متعطشان وادی ضلالت و غوایت را به شراب زلال
 هدایت تشفی و تسلی داد و آل و اصحاب او صلوات الله علیهم اجمعین .
 و بعد چون حضرت و اهب المواهب تعالی و تقدس و تعظیم به
 و فور موهبت و میامن تأییدات عالم روحانی تاج خسروانی را به
 ترصیع «انا جعلناک خلیفته فی الارض» مرصع ساخته ، بر فرق
 فرق دسای ما نهاده ، همگی همت پادشاهانه جهت احکام احکام
 دینیه و تأسیس ارکان ملیه مصروف و معطوف داشته و افراشته ایم
 چه به براهین و دلایل قاطعه و ساطعه بر ضمائر و خواطر مستنیره ما
 واضح و لایح گشت که اگر درجه و دقیقه ای از درجات و دقایق
 استعلا و استیلا بر مدارج و معارج شرایع و دقایق غیر مستدرج و

مستدرک ، ومهمل ومعطل مانند هرآینه قواعد وضوابط شریعت و ملت واهی گردد و به حکم «الملک والدین توأمان» اساس وارکان ملک و دولت نیز متنهای شود و- نعوذبالله من شرور انفسنا و سیئات اعمالنا - سبب هلاکت و ضلالت اولوی و اخروی و دینی و دنیوی باشد .

بنابراین مقدمات به حکم ضرورت بر ذمت همت واجب شمردیم که شخصی که به سمات و صفات امانت و دیانت و تقوی و پرهیزکاری موسوم و معروف باشد به تصدی و تغلب شغل احتساب تعیین فرماییم که خلاق را به سلوک و طی طریق مستقیم شرع شریف و دین حنیف ترغیب و تحریض نماید و عالی جناب سیادت مآب سعادت مناب مرتضی اعظم مجتبی اکرم افتخار آل طه و یس اعتضاد اولاد سید المرسلین سید ظمیر الدین عبدالصمد ادیمت برکات سیادته که انوار سیادت و تقوی و ورع و دیانت و سداد و صلاح از صفایح احوال اولایح و لامع است و بعد از آن که مراراً متعدداً به شرف مجالست مشرف گشته و انواع مؤانست از مصاحبت او به ظهور رسید و بر ضمیر منیر واضح و سناح شده که به سعی کامل و جد شامل او بسیاری از مساجد که معابد اهل اسلام است رواج و رونق یافته است ، مقرر شد که عالی جناب مشارالیه را که مطلع نظر او محض ترویج قواعد دینی و استحکام شرایط شرعی است و به صلاح معروف و موصوف ، در قلمرو ممالک محروسه به امر معروف و نهی منکر و احیای نوع خیر و زجر و منع فسقه و فجره و اجراء حدود شرعیه کما هو دأبه و ما یتعلق بها مشغول باشد و این حکم همایون (نفذه الله تعالی) شرف اصدار یافت .

سبیل حکام و سادات و قضات و اکابر و اشراف ممالک محروسه آن که شرایط اعزاز جناب سیادت مآب به جای آورده ، دست او را

درین امر و اجراء حدود و تعزیرات و امر معروف و نهی منکر قوی و مطلق شمرند. سید مومی‌الیه نیز باید که به نوعی مرتکب این شغل خطیر گردد که یوم یقوم الحساب از عهدهٔ جواب بیرون تواند آمد .

برین جمله روند و چون به توقیع رفیع اشرف‌اعلی موشح و موضح گردد اعتماد نمایند . کتب بالامر العالی اعلاه الله تعالی و خلد نفاذه ولازال مطاعاً متبعاً تحریراً فی تاریخ شهر ربیع الثانی سنة ۸۸۰ .

(۴)

فرمان مورخ ۲۰ ج ۱ - ۸۸۳ از یعقوب بیک آق‌قویونلو در بخشودن رسم الصداره به درخواست صدر خود قاضی علاء‌الدین علی . ۳۹
سوادى از این سند نیز که در اینجا برای نخستین بار نشر می‌شود - در مخزن‌المکاتبة جمال‌الدین عبدالله حسنی (نسخه کتابخانه سنا : سند شماره ۱) آمده و پس از آن نشان همان صدر در ابلاغ فرمان شاهانه به مردم کشور (سند شماره ۲ کتاب) درج شده است که متن این نشان نیز از رهگذر فائدتى که در توضیح مفاد فرمان مورد سخن دارد پس از متن فرمان در اینجا ثبت می‌شود :

۳۹ - دربارهٔ اموارد مختلف دیار بکره واحسن التوازیخ روملو (۱۱: ۴۷۷/ ۶۲۸/۵۲۷/۵۱۷/۴۹۸) دیده شود .

الحمد لله الذي هدانا لهذا وما كنا لنهتدي لولا ان هدانا الله . و الصلاة على من ارسل للمهداية الى سبيل الرشاد وقلع آثار البدع و رسم الفساد .

سادات و حکام و موالی و اشراف و قضات و اهالی و ارباب سیور غالات و مسلمیات و متولیان اوقاف ممالک محروسه خصوصاً آذربایجان و دیار بکر و عراقین و فارس و غیرها بدانند که چون بررای عالم آرای عقده گشای که عبارت از جام گیتی نمای ضمیر منیر است واضح و لایح است که غرض اصلی و مقصود کلی از سلطنت صوریه چنانچه موجب سلطنت معنویه گردد، نظام عالم و انتظام امور بنی آدم است و این معنی موقوف بر نصفت سلاطین کامکار و مترتب بر معدلت خوانین ذوالاقتدار و تمیز درجات و عرفان حالات عوام و خواص اناس است و تنظیم امور و اشغال و تنظیم احوال و تعظیم شان معشر سادات و علما و قضات و صلحا و مشایخ فقرا که رکن اعظم نظام و اقوای دعایم بناء اسلام اند بر ذمت همت اولی النهمه و العطیة واجب و لازم است ، درین و لاشکر اولی النعمه النعمه التي انعم الله علينا من السلطنة العلیة و المملکة الجلیه به التماس و صوابدید امراء عظام ذوی الاحتشام ضاعف [الله تعالی] اقتدارهم الی یوم القیام و ارشاد عالی جناب صدارت مآب سیادت ایاب سعادت مناب اسلام ملاذ شریعت پناه افضی القضاة الاسلام ۴۰ اعدل الحکام بین الانام ملاذ الافاضل و الاعالی ملجأ العلماء و الاهالی اعلی الله تعالی شأن صدارته و سیادته علاء علیاً خورشید آسا ضیاء عنایت خسروانه و ثنای مرحمت پادشاهانه بر حال سکان ممالک محروسه خصوصاً سادات و علما و مشایخ و متولیان اوقاف و زوایا

و گوشه نشینان انداخته، رسم الصداره که در ازمنه سلاطین سابقه مرسوم گشته بود و به مطالبت جمیع اشراف الناس و ارباب سیورغالات و مسلمیات و موقوفات - که غرض اصلی از معافیت و مسلمیت ایشان و موقوفیت آن، جماعت خاطر ایشان است - مضطرب البال پریشان احوال بودند و به موجب آیه کریمه «ولا تبطلوا صدقاتکم بالمن والاذی» سبب ابطال صدقات اصحاب خیرات می شد، بر انداختیم تا هیچ آفریده بدان علت پیرامون طوایف مذکوره نگردد و به فراغ - بال و ترفه حال به طاعت متعال اشتغال نموده، در دعاگویی دولت روز افزون افزایش و محصول موقوفات به مصارف و جوب تواند رسید .

سبیل حکام و داروغگان و اصول و اعیان و عمال آن که برین موجب مقرر دانسته، به هیچ گونه گردد ابطال صدقات مستمره نگردند و از خطاب عتاب محترز باشند. خاص در عهده دانند و چون به توقیع رفیع اعلی موشح گردد اعتماد نمایند.

تحریراً فی ۲۰ شهر جمادی اولی سنة ۸۸۳ .

[نشان صدارت مآبی:]

سادات و قضات و علما و مشایخ و اشراف و اعیان و اصحاب سیورغالات و مسلمیات و متولیان موقوفات و ارباب خوانین و زوایا و گوشه نشینان و متوطنان ممالک محروسه و ولایات احسن الله احوالهم بدانند که بر همگنان واضح و لایح است که بر الواح احوال ایشان به واسطه رسم الصداره و مطالبت آن نقوش اختلال و مسلال ارتسام یافته، منقلب البال بودند و این معنی مناسب دولت روز افزون سلاطین کامکار و خوانین ذوی الاقتدار نمی نمود چه رعایت جانب ایشان و مراقبت حالات بر ذمت همت عوام و خواص اناس لازم است.

بناء علیه این صورت متعدداً معروض خاقان اعظم مغفرت مآب فردوس ایاب جنت مناب سعید مرحوم حسن بیک انار الله برهانه شده، آن حضرت نیز بر کیفیت حال اطلاع یافته، به آخر سال حصول این مرام معهود فرموده بودند و چون التفات خاطر حضرت مغفرت مناب بدان معنی معطوف و مصروف بود و مقتضای حدیث صحیح «الولد سرا بیه» این احسان در حضرت سلطنت دستگاه ممالک پناه خلافت مناب عدالت و عظمت ایاب ثمره شجره دولت و اقبال شجره ثمره مرحمت و آمال الناصر لدین الله الحافظ لحدود الله مجهز جیوش العدل والاحسان مخرب بیوت الجور والعدوان سمت ظهور یانت. رسمی که برانداختی بود برانداخت. والله علیم بذات الصدور

اکنون شکرأ لهذا وظیفه آن که بعد از فرض ادا^{۴۱} دعای دوام دولت روز افزون خاقان در رتق وفتق و رواج و رونق و ضبط و نسق بقاع خیرات و ابواب مبرات مهما ممکن و ظایف سعی و لطایف رعی به تقدیم رسانیده، رعایت مشروط واقعی و ایصال ربوع موقوفات و تصریف آن به مصارف و جوب واجب و لازم دانند تا به مدلول حکم صریح و نص صحیح «ولاتبطلوا صدقاتکم بالمن والاذی» ابطال ما صدقوا لازم نیاید و به مقتضای آیه کریمه «لان شکرتم لازیدنکم» مستحق مزید شوند.

سبیل همگنان آن که برین موجب مقرر دانسته، هیچ آفریده به علت مطالبت رسم الصداره به هیچ آفریده از سادات نظام و مفاخر کرام و علما و مشایخ و اصحاب زوایا و خوانق و متولیان اوقاف ممالک محروسه مزاحمت نرسانند و پیرامون نگردند و اعزاز و احترام ایشان فرض عین شمرند و از لعن و طعن محترز باشند.

۴۱- کذا و گویا درست: اداى فرض دعای دوام ...

(۴)

فرمان مورخ ۲۴ ع ۱-۲-۹۰ از رستم بیك
آق‌قویونلو در قرار دادن مبلغ سه هزار دینار
تبریزی بابت سیور غال سید شمس‌الدین محمد
فریز هندی نطنزی.

اصل این سند با دوسند دیگر از این دوره
(ش ۶ و ۷ این مقاله) و پیرامون بیست طغرا
از احکام و ارقام شاهان صفوی و قاجار تاهفتاد
و اند سال پیش در نطنز بوده و سپس گویا به
تهران منتقل شده است. سوادی از این سند و
دو سند دیگر مربوط به این دوره در مجلد
ششم مجموعه ناصری ثبت است^{۴۲} که «اوین»
همان سواد را با توضیحاتی همراه با متن سه
سند صفوی در دومین نوشته از سلسله
Archives Persanes Commentees نشر نموده و با
اصلاحات قیاسی در اینجا نقل می‌شود.

الحکم لله

ابوالمظفر رستم بهادر سوزومیر

حکام و عمال و مباشران امور و اشغال دیوانی و کلانتران و
کدخدایان ولایت نطنز بدانند که درین وقت بنابر وفور ارادت و

۴۲- فرهنگ ایران زمین ۶ : ۲۸ . «مجموعه ناصری» مجموعه ثبت ها و
رساله‌هایی است که بمنظور تدوین «مرآت البلدان» به فرمان ناصرالدین شاه
فراهم آمده و هشت مجلد آن بشماره‌های ۷۲۵-۷۳۲ در کتابخانه وزارت دارایی
بوده که اکنون در کتابخانه بیوتات سلطنتی است .

اعتقاد که در شأن عالی جناب سیادت مآب طریقت قباب، حقیقت شعار ولایت آثار هدایت دثار مرتضی اعظم اکرم مرشد طوایف الامم افتخار العترة الطاهرة اعتضاد الملة الباهرة المنظور بانظار الله - الملك الاحد سيد شمس الملة و السيادة و الهداية و التقوى و الدين محمد الفریز هندی اعلى الله تعالى شأن سیادته و هدایتته حاصل است مبلغ سه هزار دینار تبریزی نقد در وجه سیورغال هودبری مشارالیه از مال و جهات ولایت مذکوره شفقت فرمودیم و دانسته ارزانی داشتیم. می باید که از ابتداء این تاریخ همه ساله مبلغ مذکور به اصل مال و متوجهات عالی جناب مشارالیه که در موضع فریزهند و چیمه واقع است، مجری و محسوب دارند و بعلت اخراجات و خارجیات حکمی و غیر حکمی و فروعات و رسوم داروغگی و تصدی و کلانتری و علفه و علوفه [و] قتلغا و بیگار و شکار و پیشکش و ساوری و تقبل و سایر تکالیف دیوانی به هر اسم و رسم که باشد، مزاحم نشوند و تعرض نرسانند و قلم و قدم کوتاه و کشیده دارند و به قلیل و کثیر طمع و توقع نمایند و به هیچ وجه من الوجوه پیرامون نگردند و مبلغ مذکور را بر عالی جناب مشارالیه معاف و مسلم دارند و حر و مرفوع القلم دانند و این عارفه را درباره عالی جناب مشارالیه و اولاد نسلا بعد نسل انعام مخلد مؤبد دانند و هر ساله فرمان مجدد نطلبند و از فرموده عدول و انحراف نجویند. در زمان قدغن دانند. ۴۳ چون به توفیق رفیع اشرف رسد اعتماد نمایند.

تحریراً فی رابع عشرین ربیع الاول سنه اثنین و تسعمایه.

قل توکل بر فداى ذوالمنن [مهر:]

رستم مقصود بن سلطان حسن

۴۳- باید چنین باشد: درین باب قدغن لازم دانسته ...

[مهرهای پشت سند:]

- ۱- گر تو از جان چاکر رستم شوی
چون سلیمان صاحب خاتم شوی
- ۲- هرکسی از لطف رستم خان بنوعی کام یافت
شد به آن خدمت خلاص از شدت ایام یافت
- ۳- المتوکل علی الملك القدیم، چاکر سلطان رستم عبدالکریم^{۴۴}
- ۴- المتوکل علی الملك المنان قاسم بن جهانگیر بن علی بن
عثمان^{۴۵}
- ۵- غرض نقشی است کز ما باز ماند
که هستی را نمی بینم بقایبی
الفقییر محمد
- ۶- توکلت علی الله، العبد المذنب محمود بن شکرالله .
- ۷- [ذکر رحمة ربك] عبده زکریا .
(و پنج مهر دیگر که خوانده نشده است).

(۵)

فرمان مورخ ۲۷ رمضان ۹۰۲ از رستم بیک
آق قویونلو در بخشودن مال و متوجهات دیوانی
قریه باقرداغ اربیل که به دوسید با نام‌های
سید سراج الدین قاسم و عم او سید طاهر تعلق
داشت .

۴۴- گویا همان نظام‌الدین عبدالکریم لله او که در فرمان مورخ رمضان ۹۰۰
همین پادشاه (فرمان‌های ترکمانان قراقویونلو و آق قویونلو : ۱۰۹-۱۱۱) از او
یاد میشود. کشته شده بسال ۹۰۲ (روملو ۱۲: ص ۱۳ و پاورقی شماره ۲۸ اینجا) .
۴۵- قاسم بیک که پس از این در دیار بکر به استقلال فرمانروایی یافت
(فرمان‌های ترکمانان قراقویونلو و آق قویونلو : ۱۱۲-۱۱۶) .

اصل این سند در موصل نزد «عبدالغنی بن حسن افندی نقیب» بوده و سپس از او به «رئوف بك نقیب» منتقل شده برود ۴۶. متن آن را «هانس روبرت رویمر» شرق شناس آلمانی براساس عکسی که در دست داشته با توضیحات مفید در مقاله‌ای با عنوان:

Le dernier firman de Rustam Bahadur Aq-Qoyunlu?
(آخرین فرمان رستم بهادر آق‌قویونلو؟) نشر نموده است.

چنین است مشخصات سند: درازا - ۹۰ سم، پهنا - ۹/۵ تا ۲۰/۵ سم، متن به قلم مشگی، تحمیدیه و طغرا با زر، ۲۱ سطر، خط تعلیق، کاغذ خان بالیغ.

هو الغنی

مرکز تحقیقات علوم اسلامی
ابوالمظفر رستم بهادر سوزومیز

حکام و عمال و متصدیان [امور و اشغال دیوانی و کلانتران] ۴۷ و کدخدایان اربیل بدانند که درین وقت جناب سیادت مآب / مرتضی اعظم اکرم افتخارالسادات من‌الامم سید سراج‌الدین قاسم به‌درگاه گیتی پناه آمد و محضری مشحون / به خطوط حاکم و والی و کلانتران و اهالی آنجا نمود مضمون آن که مزرعه باقرداغ از اذمال آنجا که داخل جمع است / از ابتداء تخاقوی نیل بائر و عاطل است و از راه

۴۶- کتابهای خطی فارسی در موصل، از حسین‌علی محفوظ (چاپ تهران):

(۱۳۳۱): ۶/منخطوط الموصل، داود چلبی: ۲۹۴.

۴۷- پارگی در اصل.

ملکیت به سید مومی‌الیه و عم او جناب سیادت مآب مرتضی اعظم و مجتبی اکرم/سید طاهر متعلق بود و نوشته مستوفیان دیوان اعلی می نمودند که مزرعه مذکور به مبلغ یک هزار و نه صد و چهل و یک دینار تبریزی نقد/ و سی و یک تغار غله در جمع است و التماس معافیة آن نمودند. بنابراین این حکم همیون نفذه [الله تعالی] / در قلم آمد و مقرر فرمودیم که چون مزرعه مذکور مدت مدید است که بائر و باطل است و سادات مشارالیهما به حال/ عمارت و زراعت در آوردند برایشان معاف و مسلم و ترخان و مرفوع القلم دانند و هیچ آفریده به علت/ مال و اخراجات و خارجیات از علفه و علوفه و قتلغا و الاغ و الام و بیگار و شکار و طرح و تغار و ساوری/ و عیدی و نوروزی و پیشکش و رسم الوزاره و حق السعی و داروغگی و میزانه و حق الحساب و سایر تکالیف دیوانی/ و مطالبات سلطانی و آنچه اطلاق مال و خارج بر آن توان کرد بر مزرعه مذکور حوالتی ننمایند و مطالبتی نکنند/ و عمال به هیچ وجه من الوجوه در آن مدخل نسازند و به قلیل و کثیر طمع و توقعی نکنند و به حرز و مساحت در نیاورند که/ خلاف حکم باشد و این عارفه را در بهره مشارالیهما انعامی مخلد بر دوام و اکرامی مؤبد مالا کلام شمرند/ و رقم این عطیه در دفاتر خلود مثبت گردانند و از شایبه اختلال مصون و محروس شناسند. برین جمله روند/ و از فرموده در نگذرند و هر سال نشان مجدد محتاج ندانند و چون به توقیع رفیع اشرف/ اعلی رسد اعتماد نمایند. تحریر اقی سابع عشرین رمضان سنة اثنین و تسعمائة/ بدار السلطنه

تبریز.

کتابخانه مدرسه شهریه

[پشت سند؟:]

پروانچه به مهر همیون به رساله عالی جناب صدارت....

(۶)

فرمان مورخ آغاز صفر ۹۰۳ از احمد بیک
آق قویونلو (رمضان ۹۰۲ - ربیع الاول ۹۰۳)
در بخشودن مالیات‌های خلاف حکم چند خاندان
از مردم نطنز.

سوادى از متن این سند نیز مانند دو سند
شماره ۴ و ۷ این مقاله در مجموعه ناصری
(مجلد ششم) آمده که اساس متن حاضر قرار
گرفته است.

الحکم لله

ابوالنصر احمد بهادرخان سوزومیز

حکام و داروغگان و عمال و کلانتران و کدخدایان نطنز بدانند
که چون اولاد شرف الدین علی حاجی .. [و] اولاد شمس الدین علی
حاجی و اولاد عبدل علی حاجی ارانی و اولاد (?) مال و جهات خود
به دستور راستی جواب گویند باید که هیچ آفریده‌ای به علت
اخراجات و خارجیات خلاف حکم از علفه و علوفه و قتلغا و الاغ و
الام و بیگار و شکاز و طرح و ساوری و عیدی و نوروزی و سلامی
و شیلان بها و پیشکش و کلانتری و خرج خورجین و سرشماروخانه
شمار و بدرقه و خانه نزول و سایر تکالیف مشروحة الابواب مزاحم
و متعرض ایشان نشوند و تعرض نرسانند و رعایت واجب دانند
و در خانه‌های ایشان نزول ننمایند. درین باب تقصیر ننمایند و از
شکایت محترز باشند و قدغن لازم دانند و چون به توقیع رفیع
اشرف اعلی رسد اعتماد نمایند.

تحریراً غرة شهر صفر ختم بالخیر والظفر سنة ثلاث وتسعمائة.

[مهر:]

طفرای سرمدی که نشان محمد است
نقش نگین خاتم دل مهر احمد است

(۷)

فرمان مورخ ۲۰ ع ۱-۹۰۵ از محمدی میرزا^{۴۸}
در قراردادن مبلغ هشت هزار دینار تبریزی
نقد از بابت مال وجهات فریزهند وچیمه از
اعمال برزروود^{۴۹} نطنز به سیورغال سیدشمس-
الدین محمد مهدی.

سوادى از این سند چنان که گذشت در مجلد
ششم مجموعه ناصری ثبت است.

الحکم لله

ابوالکارم محمد بهادر [سوزو] میز

حکام و داروغگان و عمال و متصدیان امور دیوانی و اعمال
سلطانی وکلانتران و کدخدایان ولایت نطنز بالتوابع و اللواحق
و المتعلقات صانها الله تعالى عن المکاره و آلافات بدانند که

۴۸- فرزند یوسف میرزا فرزند اوزون حسن که پس از احمدبیک به دعوی
سلطنت برخاست و در سال ۹۰۴ هجری نیز در تبریز بر تخت پادشاهی آق قویونلو
نشست و در ۹۰۵ از سلطان مراد آق قویونلو شکست خورد (روملو ۱۲ :
۲۰-۲۱/۲۴ ، زامباور : ۳۸۵) .

۴۹- برزروود در ۲۵ کیلومتری نطنز است میان آن وکاووشان ، در سه
کیلومتری پل هندجان در این راه . آن دودیه دیگر (فریزهندو چیمارود) نیز
در نزدیکی آن در شمال غربی کوه کرکس به همین نامها شناخته می شود
(ژان اوپن) .

(۲۵)

درین اوقات خجسته ساعات بنا بر وفور ارادت و کمال اعتقاد در شأن رفیع عالی جناب سیادت مآب نقابت ایاب حقیقت قباب طریقت مناب ولایت پناه هدایت دستگاه ارشاد انتباه مولانا و مرتضی ممالک الاسلام اعتضاد السادات والاشراف فی الایام مرشد طوائف الانام هادی الخلیق الی طریق الحق والالهام صاحب اذیال المجد والمعالی علی اعالی الفروق و فروق الاعالی نادره الایام و للیالی السید الاید شمس الملة والسیادة والهدایة والافاضة والذین محمد مهدی اسبغ الله تعالی ظلال هدایت و سیادته مبلغ هشت هزار دینار تبریزی نقد از مال و جهات فریزنه و چیمه من اعمال برزود تطنز به رسم سیورغال و انعام سرمدی آن عالی جناب دانسته شفقت فرمودیم و ارزانی داشتیم. می باید که حسب المسطور مقرر داشته، این عارفه را درباره عالی جناب مشارالیه انعام مخلد بر دوام و احسان مؤبد مالا کلام شمرده، از شایبه تغییر و تبدیل مصون و محروس شناسند و همه ساله در زمان ۵۰ فرمان مجدد نطلبند.

[سبیل] کلانتران و کدخدایان و رعایا و مزارعان قری مذکورہ آن که همه ساله مبلغ مذکور از نقد مال و جهات محال مزبوره بیقصور و کسور به و کلاء عالی جناب مومی الیه برسانند و به برات عامل و مباشر و کلانتر موقوف ندارند و مجری و محسوب دانند. و من سعی فی ابطاله فقد باء بفضب من الله و مأویہ جهنم و بسئس المصیر و علیه لعنته الله و الملائكة و الناس اجمعین .

از جوانب برین جمله مقرر دانند و از فرموده تخلف نورزند و چون به توقیع و قیوع رفیع اشرف اعلی موشح و موضح و مزین و محلی گردد اعتماد نمایند.

۵۰- باید چنین باشد : «و همه ساله درین باب فرمان مجدد . . .»

كتب بالامر الاشرف الاعلى اعلاه الله تعالى و خلد نفاذه ولازال
مطاعاً متبعاً منيماً في عشرين من شهر ربيع الاول فاضت ميامن بركاته
سنة خمس و تسماية .

[مهر :] الحمد لله الذي اذهب عنا الحزن

محمد بن يوسف بن حسن

[پشت سند :]

الواثق بالملك السبحاني شمس الدين ابواسحاق سمناي .
(و چهار مهر دیگر که خوانده تشده است) .

چون در آغاز این مقاله از فرمانهای دو سلسله فرمانروایی
معاصر ترکمانان : سلسله تیموری و دودمان ملوک مازندران یاد
شد و گویا تا کنون از این دو سلسله فرمانی به چاپ نرسیده است ۵۱
از هر یک از آن دو ، يك فرمان به عنوان نمونه در اینجا ثبت میشود .

۱- فرمان مورخ ۲۱ ع ۸۷۸/۲ از ملک
اسکندر معین الدین استندار فرزند جلال الدوله

۵۱- در آغاز مقاله از احکام و ارقام ملوک مازندران که مجموعه ای از آنها
هم اکنون در دست است سخن رفت . از نشانها و فرمانهای تیموریان نیز
جز چند سندی که اصل آن در گوشه و کنار بازمانده (رك : همان مقاله ریمر و
مجله راهنمای کتاب ۱۸ : ۷۴۰ و جزآن) نمونه هایی بسیار در مجموعه های
منشآت مانند منشآت ش ۵۵ دانشگاه ادبیات تهران (فهرست آن ۱: ۴۶۸) و منشآت
خواجه عبدالله مروارید (نسخه های خطی ۵ : ۱۴۴-۱۴۵ و ۷ : ۶۱۶-۶۱۹/
فهرست سنا : ۳۰۴-۳۱۰) و منشآت ش ۴۱ کتابخانه عارف حکمت مدینه (نسخه
های خطی ۵ : ۵۷۴-۵۷۵) و منشآت خواجه عبدالواسع که دو فرمان تیموری
از آن در مجموعه ش ۲۴۶۵ دانشگاه تهران (فهرست ۹: ۱۲۱۵-۱۲۱۶) هست و
مخزن المکاتبه ، ش ۳ مجموعه ش ۵۲۳ سنا (نسخه های خطی ۷ : ۶۲۱/فهرست
سنا : ۳۱۰-۳۱۴) برگ ۱۷۶ ر به بعد ، و نظایر اینها ثبت و نقل شده است .

کیومرث بن بیستون بن گستمم بن زیار ، فرمانروای رستم‌دار از سال ۸۵۷ تا پس از ۸۸۸^{۵۲} دربارهٔ موقوفات مزار شیخ مجدالدین کیاآملی .

اصل این سند را افضل‌الملک (میرزا غلامحسین خان مستوفی دیوان زندی شیرازی) در آمل دیده و سوادى از آن به‌گونهٔ اصل در کراسهٔ المعی^{۵۳} نقل نموده است :

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قال الله تعالى

تعاونوا بالبر^{۵۴} والتقواى ولا تعاونوا على الاثم و العدوان

المؤيد بتأييد الملك الجبار

اسکندر بن کیومرث بن بیستون معین‌الدین استندار^{۵۵}

برذمت همت كافة انام من الخواص والعوام واجب است که اگر چنانچه با دشمن خود تواند مقاومت نمودن همگی اسباب و ادوات خود را فی سبیل الله بر مقتضای «لن تنالوا البرحتى تنفقوا مما تحبون»

۵۲- تاریخ طبرستان ورویان ومازندران ، سیدظهیرالدین مرعشی ، چاپ ۱۳۴۵ : ص ۱۵۸ و ۱۶۰ و ۳۱۱ وجز اینها (دربارهٔ اسناد بازمانده از این دودمان نیز ببینید : نسخه‌های خطی ۱۱۸/۵-۱۱۹) .

۵۳- نسخهٔ ش ۱۵۱۶ کتابخانهٔ مجلس شورای ملی تهران، ص ۶۱۰-۶۱۱.

۵۴- کذافی‌الکراسه .

۵۵- در کراسهٔ المعی دو کلمهٔ «اسکندرین» از این طفرانیست و باتوجه به تاریخ دوران فرمانروایی کیومرث و تاریخ سند ناچار باید باشد وگویا در اصل طغرا با کلمهٔ «استندار» مخلوط و در برخی مفردات حروف مشترک بوده که در حین سواد برداری توجه نشده است .

خرج کردن، و به قدر استطاعت مهیا ممکن و اقدر بر جاده «من جاء بالحسنة فله عشر امثالها» خطوات چند پیش نهادن، و در مزرعه «مثل الذين ينفقون في سبيل الله كمثل حبة انبتت سبع سنابل في كل سنبلة مائة حبة والله يضاعف لمن يشاء» تخم حسنت زرع نمودن، تا در يوم الحساب نام او را در جریده «ما قدمنا وجدنا وما اكلنا را بهنا» نویسند.

چون حضرت علیم بذات الصدور شاهد حال است که همت این جانب مصروف بر تجرید بودن از عوایق و تفرید شدن از خلائق است اما به مقتضای «الامور مرهونة باوقاتها» آنچه حسب المقدور برین تفرید شده و می شود. و الحالته هذه حسب الله تعالی و طلباً لمرضاته موضع «وله» که در کوهستان این جانب واقع است و حق الارث و الاکتساب این جانب است با چند نفر بزرگ و گاو جام که اینجا می باشد و وقف مزار متبرک حضرت قطب المحققین برهان الفاضلین سلطان سلاطین طبرستان^{۵۶} مرکز دائره اهل اسلام و ایمان مقتدای اهل ولایت و سایر ول^{۵۷} شیخ مجدالدین اسماعیل کیا الاملی قدس الله سره کرده شد باتبع و خدم حضرت او عموماً، و خصوصاً شیخ الشیوخ و العارفین شیخ قطب الدین بن شیخ شمس الدین الاملی که الحالته هذه مجاور آستان بارفعت است به موضع «وله» مذکور متوطن شده، محصولات و ارتفاعات این بقعه را به قبل روح مقدس و مطهر حضرت شیخ مشارالیه صرف ابناء سبیل گرداند.

مطمح نظر این جانب مسرور گردانیدن روحانیت این حضرت است و از بواطن شریفه ایشان استمداد همت. سایر اخوان و اولاد

۵۶- کراسه : سلطان سلطان طبرستان .

۵۷- طبعاً به معنی سایر اهالی «وله» .

این جانب - رزقهم الله توفیق الخیرات و المبرات - و کافه عمال و گماشتگان و مقیمان ولایت ما - احسن الله عواقبهم لحصول کمال - الدرجات - بایند^{۵۸} که موضع مذکور «وله» باحدودی که مسطور است از آنجا که معروف است از جانب بئر و آب دره و از جانب قلعه لورا تا موضع لوکران که نهایت حدود املاک مردم «گسیل» است و از جانب کندوان آستانه و رک و کندوان چال با تمامی حدود و مضافات که مذکور است خلاف چند قطعه زمین که سمه^{۵۹} این جانب [در] موضع کوشکک به جهامساح تیرگر بخشیده است و در تصرف او بوده الباقی مواضع را وقف مزار متبرک حضرت شیخ مشارالیه کرده شد، همگنان من الخواص و العوام بایند^{۶۰} که موضع را به متولیان و خلفاء او بازگذارند و به هیچ گونه مقیمان و متوطنان و معتکفان آن بقعه را مانع و متصدع نشوند و هرکس را که شیخ قطب الدین مشارالیه دعوت نموده به آن موضع آورد هیچ آفریده پیرامون نگردد و جهت اولاغ و اولام و بیگار و قبچوریه و مواشیه گاو و گوسفند و مگس^{۶۱} و سایر تکالیف متعرض و ابستگان و پیوستگان آن موضع نشوند...^{۶۲} این جانب آنجا را وقف کرده است به مقدار یک دینار و یک من بار مداخلت ننمایند. شیخ مشارالیه باید که در عمارت و زراعت آنجا وی مهتم بوده خدمت ابناء السبیل را فرض علی العین داند و آنچه مقدور باشد به خدمت صادر و وارد

۵۸ - کذا .

۵۹ - چنین است در کراسه بدون نقطه .

۶۰ - کذا .

۶۱ - مگس غسل (توضیح عارف خان افندی عثمانی مترجم ترکی دولت ایران در پایان سند) .

۶۲ - یک کلمه که در کراسه «وثیقه» خوانده و نباید درست باشد (بنگرید : پاورقی شماره ۵۲ اینجا و متن سند در آن مورد) .

قیام نماید تا در قبضة «الذال علی الخیر کفاعله» ممتع باشد. همگنان بدین جمله عمل نموده، تخلف جایز ندارند تا در سخط و غضب «فمن بدله بعد ما سمعه فانما اثمه علی الذین یبدلونہ واللہ واسع علیم» مأخوذ نگردند.

کتب بالامر العالی اعلی الله تعالی شأنه و خلد الله نفاذه و حصل مرامه، تحریراً فی احدی وعشرین ربیع الثانی لسنة ثمان وسبعین وثمانمئة الهجرية.

رب اختتم بالخیر والاقبال.

[حاشیه:]

پروانچه اشرف اعلی بالمشافهة العلیة اعلی الله شأنه بخط العبد الفقیر بنده درگاه عالی جمال الدین بن جلال آملی کندلوسی (?).

۲- فرمان مورخ ۱۶ ذق/ ۹۰۶ از سلطان حسین بایقرا در بزرگداشت سالك الدین محمد حمودی واعظ مفسر مذکر. او ابوالانوار سالك الدین بن نجم الدین محمد سعیدی انصاری حموی زاده ۸۴۷ و زنده در ۹۱۵ پدر مالك الدین مؤید و نیای سالك الدین محمد طبیب (نگارنده چندین کتاب و رساله پزشکی و گردآورنده دو مجموعه مجمع الفئاس و حجلة العرایس) است که از دانشمندان سخنور این دوره بوده و کتاب مشخیه کنز السالکین - ش ۲۱۴۳ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران - مجموعه اجازات دانشمندان دو قرن نهم و دهم است به او و پدر و فرزندان وی ۶۳

۶۳- فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه ۹ : ۷۸۰-۸۰۳. در باره این خاندان نیز ببینید : نسخه های خطی (نشریه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران) ج ۳ ص ۱۰-۱۲ و مصادر آن، و فهرست کتابخانه مدرسه رضویه قم : ۳۰-۳۱.

سوادى از این سند به گونه اصل در همین مشخیه کتوزالسالکین^{۶۴} ثبت شده است. پیش از این در همان مجموعه سواد فرمان آستان قدس رضوی است مورخ ذح- ۹۰۶ (باشکل طغرای آستان قدس در آغاز) که به جهت سرفرازی سالك الدین محمد حموی- همین دانشمند مورد سخن- که مدتی در عتبه مقدسه رضویه و مسجد جامع به وعظ اشتغال داشت صادر گردیده است،^{۶۵} با مهر متولی آستان قدس در آن تاریخ: «الفقیر المحتاج بعناية الله الفنى الفقير علاء الملك محمد مهدى بن عبدالمطلب بن عبدالحی الموسوی»^{۶۶} در پایان و مهر «المعتصم بالله الصمد المعبود القوی العبد الفقیر عزیز بن محمد بن محمود الرضوی» در میان سطور قسمت اخیر سند. پیش از این سند نیز یادداشتی است در سه صفحه از

۶۴- صفحات ۱۳۷-۱۳۹ ش ۲۱۴۳ دانشگاه .

۶۵- صفحات ۱۳۰ تا ۱۳۶ نسخه مزبور .

۶۶- در پایان سواد مورد سخن آمده است : «محل مهر امیر علاء الملك الموسوی وابنه امیرزاد محمد بن الامام شمس الدین والاسلام المهدی» .

در مجالس المؤمنین (۱: ۱۴۵-۱۴۶) از این خاندان و نقیب سادات موسوی خراسان از این دودمان در دوره او: سید غیاث الدین محمد بن شریف بن نظام الدین علاء الملك بن عبدالمطلب بن نظام الدین عبدالحی بن طاهر بن محمود شاه بن حسین بن طاهر نقیب یاد شده است . نیای این دودمان «طاهر» در دوره غازان خان به تبریز رفت و فرمان نقابت گرفت . نظام الدین عبدالحی نیای علاء الملك در سال ۸۲۷ در قم درگذشته است (مجمعل فصیحی ۳ : ۲۶۰ . نیز قم در قرن نهم : ۲۱۷/حبیب السیر ۴ : ۱۰۸ و ۳۳۳ و جاهای دیگر) .

دانشمندی شافعی که مجلس و عظم و تذکیر
سالك الدین محمد را در آستان قدس دیده و در
آن حضور یافته بود^{۶۷} و پیش تر از آن هم یادداشتی
مبسوط و مفصل به خط ملاحسین کاشفی در
همین باب.^{۶۸}

چنین است متن فرمان سلطان حسین بایقرا:

هو الفیاض علی الاطلاق

ابوالغازی سلطان حسین بهادر سوزومیز

تا ناصح عنایت الهی ذوره منبر دولت قاهره ما را به نصایح
طیبه الفوایح «ان الله یامر بالعدل والاحسان» به رفعت از پایه کرسی
گذرانیده و واعظ موهبت نامتناهی مسامع ابهت باهره ما را به اخبار
مکرم آثار «السلطان العادل ظل الله» بشارت «ان المقسطین علی منابر
من نور» رسانیده ، علی الدوام متذکر سرایه معدلت پیرایه «انا
جعلناک خلیفه فی الارض فاحکم بین الناس بالحق» می باشیم^{۶۹} و تفسیر
حدیث «کلکم راع وکلکم مسئول رعیت» مطالعه نموده ، رقمی که
مزین^{۷۰} «اعدلوا هو اقرب للتقوی» باشد از صفحه دل . . .^{۶۳} شیم .
الحمد لله و منه المنه که به مدد رفیق توفیق در انتهاج طریق تحقیق صحایف
مناشیر جهانبانی و صفایح قوانین کشور ستانی را به توقیع رفیع
«التمظیم لامرالله» و طغراء غراء «الشفقة علی خلق الله» موشح

۶۷- صفحه ۱۲۷-۱۲۹ .

۶۸- صفحات ۱۱۲-۱۲۲ .

۶۹- در مشیخه : «می شناسیم» که نباید درست باشد .

۷۰- در سواد دو کلمه خوانده نشد و نیازمند دقتی مجدد است .

ساخته ایم و البته هر يك از طوایف اهل عالم و معاشر اولاد آدم را به دیده «از باب الدول ملهمون» دیده و شناخته، لاجرم هر فردی را از ایشان فراخور استعداد و مناسب استحقاق او به عواطف بی غایت و مراحم بی نهایت می فرازیم و رأیت تعظیم و لواء تکریم از باب فضایل و معالی از اعالی و اهاالی در مضممار اشتهار و افتخار بر می افرازیم خصوصاً علماء دین و سالکان مناہج یقین و مذکران منابر اسلام و حافظان حدود و احکام را که به قدم تتمیم بر مدارج «والذین اوتوا العلم درجات» مترقی شده، از غرفات «من یرد الله به خیراً یفقہه فی الدین» جلوه نمایند و به حکم درایت بر سریر «العلماء ورثة الانبیاء» متمکن گشته، از مناظر «هل یستوی الذین یعلمون والذین لا یعلمون» چهره گشای.

و مصداق این حال و مصدوق این مقال آن که جناب معالی قباب حقایق نصاب معارف شعار مناقب آثار زبدة المتور عین ناصح الملوک والسلطین سالک مناہج الایقان ناہج مسالك الاتقان الشیخ سالک الملة والطریقة والتقوی والذین محمد الحموی زیدت بسرکات اوقاته الشریفة و آمدت میامن انفاسه المنیفة به سعادت ادراک مجلس همایون مستسعد گشته، منظور نظرات عاطفت سمات شدو به انواع ترحیب و تعظیم من فضل الله العلی العظیم از سایر اقران رتبه امتیاز یافت و مدتی در پایه سریر خلافت مصیر اقامت نموده، به افاده و تذکیر و ابلاغ دقایق حدیث و لطایف تفسیر کما هو حقہ من لطف الاجادة و حسن التقرير قیام و اقدام نمود و الحق رتبه فضایل و کمالات و درجه مواعظ و مقالاتش به اتم براهین و اکمل دلالات بر ضمائر ارباب دین و دولت و خواطر اصحاب ملک و ملت واضح و لایح گشته، اشعه انوار آن بر ضمیر خورشید تابش کلوامع الفجر المستطیر تابان شده و جناب مشارالیه به انظار

خسروانه ملحوظ و از اعطاف پادشاهانه محتظی و ملحوظ گشت .
 درین ولاکه جاذبه حب الوطن من الايمان عنان توجهش به
 صوب مسقط الرأس که محل الفت واستیناس می باشد منعطف
 گردانیده بود از درگاه عالم پناه استجازة مراجعت و معاودت نمود .
 رعایة لخاطرہ الشریف شرف اجابت ارزانی فرمودیم . سبیل کواکب
 ثواقب سپهر شهریاری یعنی فرزندان کامکار عالی مقدار و نجوم
 بروج بختیاری اعنی امراء کامکار وسایر ارکان دولت و اعیان
 حضرت و امراء تومانات و حکام بلاد و داروغگان و گماشتگان و
 حفاظ طرق و مباشران مهمات در هر بلده و دیار آن که به هر جا
 رسد مقدم شریف جناب مشارالیه را مغتنم دانسته ، لوازم تکریم و
 شرایط تبجیل و مایکون من هذا القبیل رعایت نمایند و از مواید
 انفاس قدسی اساسش اقتباس انوار عواید صوری و معنوی فرمایند .
 حکام و داروغگان در منازل مخوفه بدرقه داده ، درویشان و ملازمان
 ایشان را به سلامت گذرانند و مزاحم و متعرض نگردند و مراکب
 ایشان و رفقاء ایشان را الاغ نگیرند و به هیچ وجه من الوجوه غبار
 تعرض بر صفحات احوال ایشان روا ندارند و شکر و شکایت ایشان
 در درگاه سپهر اشتباه به غایت مؤثر و منتج شناسند .
 از جوانب برین جمله روند و چون به توقیع و قیوع رفیع اشرف
 اعلی موقع و مشرف و محلی و معلی گردد اعتماد نمایند .
 کتب بالامر العالی اعلاه الله المتعال و خلد نفاذه و لازال مطاعاً
 متبعاً سادس عشر شهر ذی قعدة الحرام سنة ۹۰۶ .

[مهر:]

راستی

ابوالغازی سلطان حسین

رستی ۷۱

[مهرهای پشت سند:]

- [۱] العبد معزالدين يوسف.
- [۲] القناعة كنزلايفنى عبدالله محمد ..
- [۳] رضيت على قسم الله العبد .. بن حاجي بن علي..
- [۴] المعتصم بعناية الله الوافي العبد شهاب الدين اسحاق بن محمد الخوافي .
- [۵] اطلع عليه . المتوكل على الله العبد محمد بن محمد المروى ۷۲.
- [۶] مهر نواب مستطاب سلطان محمد بن حسن ميرزا.
- [۷] مهر نواب حضرت شاهزاده عالميان سلطان ... بن حسين ميرزا.
- [۸] مهر نواب حضرت شاهزاده عالميان سلطان ... ميرزا .
(با دو توقيع و مهر ديگر).

۷۱- مهر تیمور «راستی رستی» داشته (مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی:

۳۵۵) و نوادگان او از وی پیروی نموده‌اند .

۷۲- گویا چنین است نه «هروی» .

Handwritten Persian text in various styles, including a circular seal at the bottom left. The text is dense and appears to be a formal document or a collection of letters. The circular seal contains the word 'مجلس' (Majlis) and other illegible characters.

فرمان شماره ۱ از : حسنتلی قراقیونلو

Handwritten text in Persian script, likely a manuscript page. The text is arranged in several columns, with some lines being larger and more prominent than others. The script is dense and appears to be a historical or administrative document.

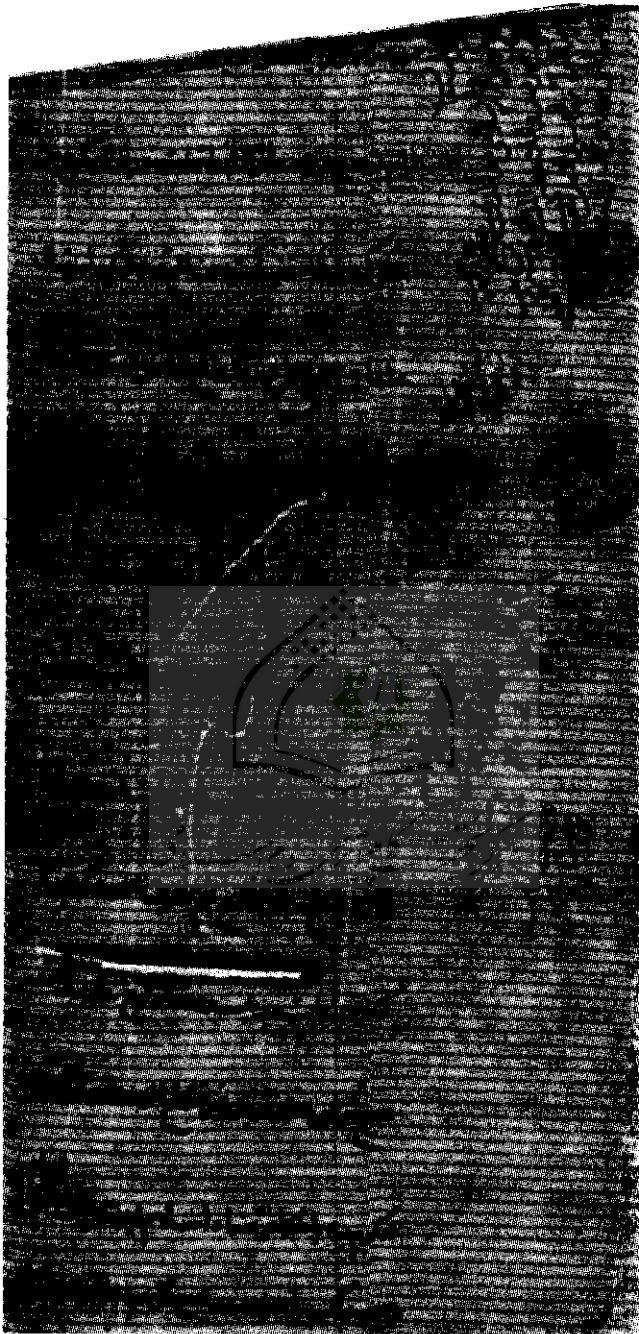
سند مودخ ۹۳۴
قسمت دوم

(مربوط به فرمان شماره ۱ این مقاله)

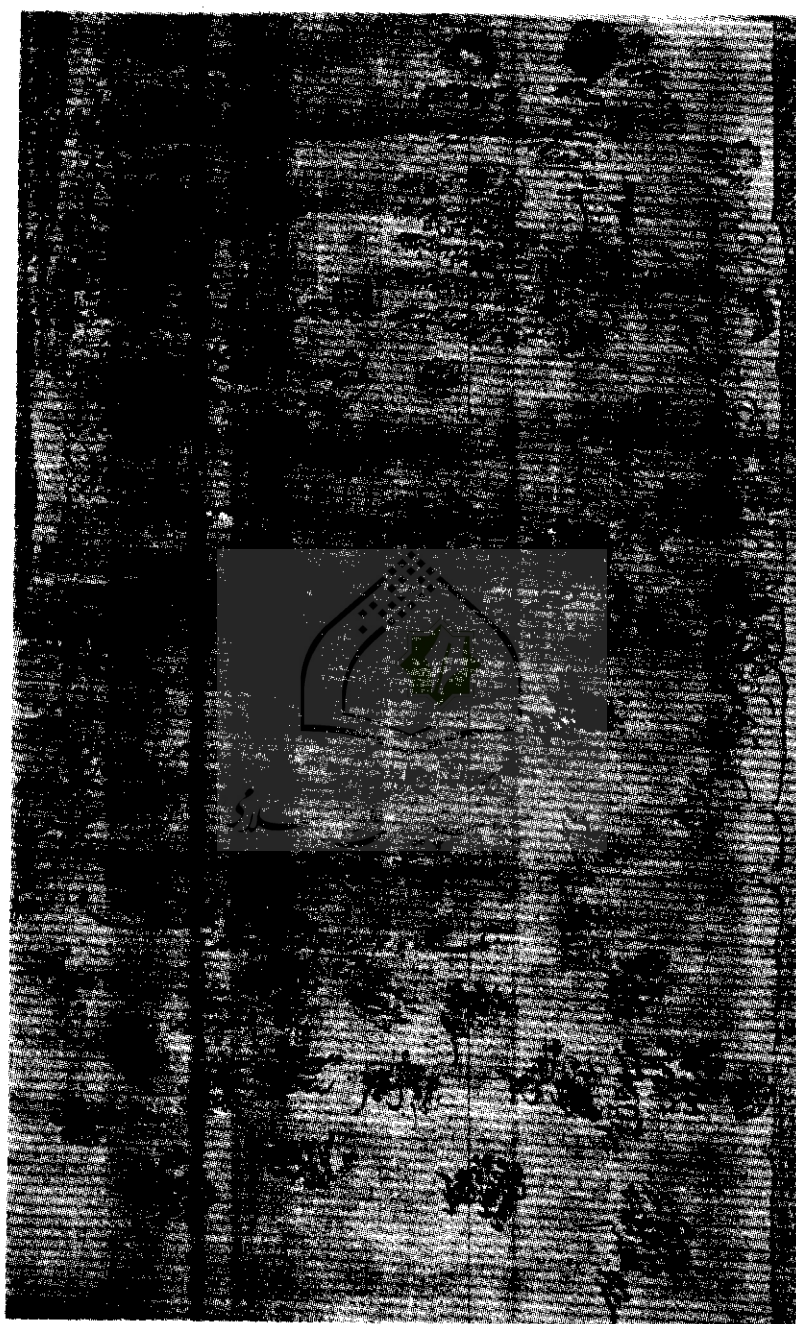
Handwritten text in Persian script, likely a manuscript page. The text is arranged in several columns, with some lines being larger and more prominent than others. The script is dense and appears to be a historical or administrative document.

سند مودخ ۹۳۴
قسمت اول

(مربوط به فرمان شماره ۱ این مقاله)



سند مورخ ۹۳۴
قسمت سوم
(مربوط به فرمان شماره ۱ این مقاله)
(۳۹)



سنبلې از قرن يازدهم
(مربوط به فرمان شماره ۱ اين مقاله)

(۴۰)